

اېدا بېنا سېت فرارسېدن يازدهمېن سالروز وفات اېر مردن ستوه، انقلابي ورهېر
زحمگشان افغانستان زنده يادرفتيق بېرک کارمل بېسایت وزين «اصالت»
بازتاب وېنده آرمانهاي ح. د. خ. ا. و انسان زحمگش!

ذوالفقار علي ((حداد))

بیرک کارمل

نشانی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
در پلنوم هفدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

کابل عمل ۱۳۶۵



بیرک کارمل

منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

رفقا!

چنانکه شما میدانید، بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی از تاریخ ۷ الی ۱۶ حوت سال ۱۳۶۴ در مسکو دایر گردید. در تاریخ مدنیت بشری، حوادث و رویداد هایی وجود دارد که شمارش زمان جدید از آنها آغاز میگردد. بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، از جمله چنین حوادث است که به تبارز و تجلی برجسته اتحاد و همبستگی انترناسیولیستی نیروهای مترقی و انقلابیون سراسر کره زمین، مبدل گردید. این کنگره اهداف برنامه ئی حزب لنین را فورمولبندی نمود و خصلت پیشرفت جامعه شوروی را، در راه ایجادگری مترقی مشخص ساخت.

تصامیم ستراتیژیک کنگره به تحکیم مواضع سوسیالیزم، تقویت مبارزه تمام بشریت مترقی برای جلوگیری از خطر جنگ هسته ئی، مساعدت فعال خواهد نمود.

کنگره از لحاظ تعداد مهمانان خارج که در آن حضور داشتند، حادثه عظیم در مقیاس بین المللی بود. در کار کنگره ۱۵۳ هیات از احزاب کمونیستی، کارگری، انقلابی، -دموکراتیک، سوسیالیستی، سوسیال دموکرات، لیبرریست و غیره، از ۱۱۳ کشور جهان اشتراک داشتند، در هیچ یک از کنگره های قبلی به این تعداد نماینده گان نیروهای مترقی جهان اشتراک نداشتند، این امر به وضاحت و به طور قانع کننده حاکی از تحکیم و توسعه مواضع و مناسبات بین المللی حزب کمونیست اتحاد شوروی، افزایش اعتبار آن در عرصه بین المللی، پذیرش نقش تاریخی آن در جهان کنونی میباشد.

بیست و هفتمین کنگره، کار عظیم و بسیار ثمربخش را انجام داد. محور اساسی کار آنرا گزارش سیاسی کمیته مرکزی تشکیل میداد که توسط میخائیل سرگیویچ گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ارائه گردید.

گزارش سیاسی به کنگره سند پر بها تیوری علمی انقلابی، خلاق، مظهر درخشان برخوردار انقلابی و طبقاتی در شرایط معاصر است. در این سند خرد و تجربه جمعی حزب کمونیست اتحاد شوروی انعکاس و تجلی یافته، اصول اساسی طرز تفکر نوین سیاسی مطرح گردید. و صفحه عظیم فعالیت ایجادگرانه باز شد. در گزارش تمام کمپلکس مسایل حزبی، دولتی و زنده گی اجتماعی مورد تحلیل و ارزیابی مجدد قرار گرفت، توانمندی و قدرت تحکیم یابنده سیستم جهانی سوسیالیزم نشان داده شد. تصویر مبنی پروسه انقلابی انعکاس یافت، این سند همه مبارزان راه صلح ترقی اجتماعی را به استراتیژی و تاکتیک معاصر مبارزه و احکام و استنتاجات عملی دارای نیروی بزرگ بسیج کننده مجهز می سازد.

در کنگره متن جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی و اساسنامه با تعدیلات وارده در آن مورد بررسی قرار گرفته و به اتفاق آراء به تصویب رسید. این اسناد سلاح نیرومند انقلابیون در

مبارزه به خاطر تسريع رشد اجتماعى و اقتصادى و بازسازى كیفى جامعه است. مىخواهم خاطر نشان سازم كه در جريان بحث روى اين اسناد بيش از ۶ ميليون نظر و پشنهاد مواصلت نموده بود، برنامه حزب كمونيست اتحاد شوروى-برنامهء تكميل و بهبود پلان شده و همه جانبه سوسياليزم، پيشرفت بعدى جامعهء شوروى به سوى عاليترين نوع عدالت اجتماعى بر مبنای تسريع و تشديد آهنگ رشد اجتماعى - اقتصادى، برنامه صلح و ايجادگرى ميباشد، تحقق احكام و مواد برنامهء حزب و اساسنامه به ارتقاى بيشتر نقش رهبرى كنندهء حزب كمونيست اتحاد شوروى مساعدت خواهد كرد.

در بيست و هفتمين كنگره جهات اساسى رشد اقتصادى و اجتماعى اتحاد جماهير شوروى سوسياليستى در سالهاى ۱۹۸۶-۱۹۹۰ و تا سال ۲۰۰۰ مورد بررسى و پشتبانى كامل قرار گرفت، در اين مورد رفيق ريژكوف عضو بيروى سياسى كميته مركزى حزب كمونيست اتحاد شوروى و رئيس شورای وزيران اتحاد جماهير شوروى سوسياليستى بيانیه داد، خاطر نشان گرديد كه در ظرف ۲۵ سال بعد از تصويب سومين برنامه، اتحاد شوروى به موفقيت هاى قابل ملاحظه نايل گرديده است. فوند هاى اساسى اقتصاد ملي هفت بار افزايش يافته است و هزاران موسسه جديد اعمار گرديده است. عايد ملي تقريباً ۴ مرتبه، توليد صنعتى ۵ مرتبه و توليد زراعتى ۱/۷ مرتبه افزايش يافته است، اين دستآورد ها كه نتيجه مساعى عظيم مردم شوروى است، امكان آنرا فراهم ساخت تا سطح رفاه مردم به طور قابل ملاحظه ارتقا يابد. در ظرف ربع قرن درآمد حقيقى سرانه ۳/۶ مرتبه، فوند هاى اجتماعى مصرف بيش از ۵ مرتبه افزايش يافته و ۵۴ ميليون اپارتمان جديد اعمار گرديده است. علوم، طب و فرهنگ با موفقيت رشد يافته و در عرصهء مناسبات اجتماعى و ملي و رشد دموكراسى تغييرات عميق مثبت رخ داده است.

در عين زمان، در كنگره علل تنزِيل معينى آهنگ رشد پلان شده كه در سالهاى ۷۰ رخداد، مورد تحليل همه جانبه انتقادى قرار گرفت و استراتيژى تسريع رشد اجتماعى- اقتصادى كشور مشخص گرديد، ماهيت تسريع را چه چيزى مى سازد؟ قبل از همه كيفيت نوين رشد، بازسازى تخنيكى اقتصاد ملي بر مبنای جديد ترين دستآورد هاى علمى، گذار به اقتصاد متكى بر سازماندهى عالى، رشد همه جانبه نيرو هاى مولده و مناسبات توليد مدنظر است و كنگره متكى بر آن اين وظيفه را مطرح ساخت كه بايد تا اخير اين سده، عايد ملي تقريباً دو چند و مولديت كار ۲/۵ مرتبه افزايش يابد.

در گذارش و بيانیه ها به تحقق سياست زراعتى و اجراى برنامهء غذائى توجه زياد صورت گرفت. پيشبيني گرديده است كه در ظرف همين پلان پنج ساله نوبتى آهنگ رشد توليد زراعتى بيش از دوچند افزايش كسب خواهد كرد، نقش تصديها ارتقا خواهد يافت قرارداد ها و سيستم اكورد و همچنان تثبيت و تعيين وسايل توليد و زمين براى بريگاد ها و خانواده ها توسعه حاصل

خواهد کرد. پروبلم کیفیت و بازسازی میکانیزم اقتصادی به حیث وظیفه درجه اول برجسته شده است.

کنگره با مسئله رشد عرصه فرهنگی، طرح و تدوین سیاست اجتماعی نیرومند که همه جوانب زنده گی از کار و معیشت، صحت و تفریح و استراحت تا مناسبات طبقاتی و ملی را دربر گرفته و به ثبات سیاسی جامعه، پرورش انسان نوین، تسلط کامل شیوه زنده گی سوسیالیستی و عدالت اجتماعی مساعدت رساند، به طور سازنده و به شکل نوین برخورد نمود.

تصامیم و فیصله های بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی بار دیگر به اثبات میرساند که تنها حزبی که زنده گی آنرا منافع مردم تشکیل دهد و با برنامه مستدل علمی مجهز باشد، قادر است چنین وظایف عظیم را از لحاظ مقیاس خود تحقق ببخشد. کنگره نظریه بازسازی کار حزبی را پیش کشید که جوهر آنرا تعمیل پیگیر اصول، شیوه ها، اشکال و میتود های بلشویکی در زنده گی، بسط و توسعه فضای ایجادگری، گسترش انتقاد و انتقاد از خود میسازد. اهمیت مبارزه دایمی به خاطر سیمای پاک، شریفانه و نجیبانه عضو حزب، تشدید تربیت ایدیولوژیک آنان، اجرای بلاانحراف و بلا قید و شرط مطالبات اساسنامه، تصفیه حزب از عناصر تصادفی که بر مبنای انگیزه های مقام طلبی و سوء استفاده شامل آن شده اند، جداً خاطر نشان گردیده است.

کنگره بر ضرورت این امر که در آینده نیز وحدت حرف و عمل، ارتباط تبلیغ و ترویج با زنده گی تحکیم یابد، تاکید ورزید.

حزب کمونیست اتحاد شوروی در کار ایدیولوژیک پرورش مردم با روحیه عالی صفای اندیشه و وفاداری به اندیشه های پیشرو عصر ما، برخورد آگاهانه نسبت کار و ثروت اجتماعی، وطنپرستی، انترناسیونالیسم پرولتری و سوسیالیستی را امر اساسی می شمارد.

در سرتاسر کنگره اندیشه عمده این بود که قرن بیست و یک بدون سلاح هسته یی، کیمیاوی و سایر سلاحهای امحای جمعی آغاز گردد و بشریت از هراس دایمی نسبت به آینده خود نجات داده شود و وسایل عظیمی که در راه مسابقات تسلیحاتی به مصرف میرسد، برای نیازمندیهای صلح آمیز انسان مورد استفاده قرار گیرد. از عقب تریبون کنگره پیشنهادات جدید صلح خواهانه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی درباره ایجاد سیستم همه جانبه امنیت بین المللی اعلام و اساسات اصولی آن طرح گردید. انقلابیون سراسر جهان با افتخار و سربلندی، این حرفهای میخائیل سرگیویچ گرباچف را شنیدند که سیمای قرن حاضر را انقلاب رهایی بخش مردمی که با اکتوبر کبیر آغاز گردیده مشخص می سازد. ما به این امر می بالیم که حزب لنین با صدای رسا در برابر تمام جهان اعلام داشت که باید جنگ را از زنده گی بشریت منتفی نمود و امنیت همگانی را برقرار ساخت. این تصامیم واقعاً دوران ساز اند. مشی سیاست خارجی حزب کمونیست اتحاد

شوروی در عین حال مشی همبستگی با نیروهای آزادی اجتماعی و ملی، مشی همکاری و همیاری نزدیک با کشورهای دارای سمتگیری سوسیالیستی، با احزاب انقلابی-دموکراتیک، با جنبش عدم انسلاک، مشی توسعه روابط با همه آنهائی که علیه جنگ و به طرفداری از امنیت بین المللی قرار دارند میباشد. واقعاً آرمان عمده و عظیم کنگره صلح بود! در کنگره سهم عظیم حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی در مبارزه به خاطر حفظ صلح در زمین مورد شناسایی، تائید و پشتیبانی همگانی قرار گرفت.

مردم افغانستان و تمام اعضای حزب ما با توجه بزرگ کار کنگره را تعقیب نموده و از گزارش بسیار عالی میخائیل سرگیویچ گرباچف صمیمانه استقبال کردند. مخصوصاً حرفهای وی را در ارتباط با کشور ما هرچه نزدیکتر به قلب خویش پذیرفتند. در گزارش سیاسی آمده است که: «ضد انقلاب و امپریالیزم، افغانستان را به زخم خونین مبدل ساخته اند. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از مساعی این کشور در جهت دفاع از حاکمیت خویش حمایت مینماید. ما میخواستیم تا در آینده خیلی نزدیک قطعات نظامی شوروی را که بنابر تقاضای حکومت افغانستان در آن کشور قرار دارند، بوطن باز گردانیم. در مورد مواعید خروج مرحله به مرحله آنها به مجرد حصول حل و فصل سیاسی که قطع واقعی مداخله مسلحانه از خارج در امور داخلی ج.د.ا را تأمین و عدم تکرار آنها به طور مطمئن تضمین با جانب افغانی توافق بعمل آمده است.» این موقف اصولی حزب کمونیست اتحاد شوروی را باید به آگاهی همه اعضای حزب و تمام زحمتکشان رسانید. تنها، تنها دوست وفادار و مطمئن و برادر قادر است چنین مواظبت را در مورد کشور ما تبارز دهد. اتحاد شوروی بیش از ۶۵ سال دوست درجه اول و طراز عالی، صدیق و کبیر و برادر خلق ما است. ما به نماینده گی از تمام مردم افغانستان در بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی به زحمتکشان کشور شوراها امتنان عظیم خود را به خاطر کمک های همه جانبه انترناسیونالیستی که به برکت آن افغانستان انقلابی زنده است، مبارزه میکند و پیروز میگردد اعلام داشتیم.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان در وجود پلینوم کنونی از تصامیم و فیصله های کنگره تاریخی بیست و هفت تائید و پشتیبانی گرم و کامل بعمل آورده و برای مردم برادر شوروی، حزب لنین، کمیته مرکزی و منشی عمومی آن رفیق گرباچف میخائیل سرگیویچ موفقیت های بزرگ را در تحقق آنها آرزو میکند.

در حقیقت همه سخنرانان کنگره، اعم از شوروی و خارجی با تائید از گزارش سیاسی، بخش مربوط به کشور ما را نیز مورد تائید قرار دادند. ما از همه آنان سپاس گزار هستیم و منجمله به رهبران احزاب کمونیست کیوبا و ایالات متحده آمریکا، همچنان حزب کمونیست پاکستان،

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و دیگران که به طور مشخص از داعیه مردم افغانستان پشتیبانی بعمل آوردند، مراتب امتنان قلبی خود را ابراز مینمائیم .

در روز های کنگره در تعداد زیادی از موسسات و کلکتیف های کشور ما میتنگ ها و گردهمایی های انترناسیونالیستی تشکیل گردید. زحمتکشان کارخانجات جنگلک، فابریکه کود کیمیاوی مزار شریف، مجتمع آبیاری جلال آباد، کوپراتیف ذکراالله شهید، محصلان و استادان پوهنتون کابل و انستیتوت پولیتخنیک، همچنان محترم هاتف خمکنی و رفیق اناهیتا راتبزاد به نمایندگی از سازمانهای خویش پیامهای شادباش عنوانی کنگره ارسال نمودند، در این جریان ملاقاتها و صحبت های دلچسپ در اطاقهای دوستی افغان- شوروی تدویر یافت. تعداد این ملاقات ها و صحبت ها در این اواخر به طور قابل ملاحظه افزایش یافته است، هفته دوستی و برادری رزمی منسوبین نظامی افغان و شوروی با شور و شوق عالی انترناسیونالیستی برگزار گردید. اینها همه مثالها و نمونه های زنده دوستی روز افزون میان خلقهای جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است که باید آنرا بیشتر از پیش با عمق و ابعاد وسیع بسط و توسعه داد زیرا این امر منظم، دقیق و دایمی پرورش وطنپرستانه و انترناسیونالیستی و اصل دایمی مردم ما است.

با در نظرداشت تقاضای حزب، بیروی سیاسی تصمیم اتخاذ نمود که گذارش سیاسی کمیته مرکزی و برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی را همزمان با کار کنگره و سایر اسناد کنگره را بزبانهای دری و پشتو به چاپ برسانند. بگذار اعضای حزب ما سلاح نیرومند دانش علمی انقلابی خلاق را هرچه عمیق تر فرا گیرند و استفاده از تمام غنای تجربه و اندیشه حزب کمونیست اتحاد شوروی را در عمل، در شرایط دشوار و خاص ما بیاموزند. آنرا به صورت خلاق در شرایط مشخص و مراحل انقلاب به خاطر بهبود زنده گی زحمتکشان کشور ما تطبیق کنند.

بنابر دعوت کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و بر اساس مصوبه بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا هیأت حزب ما متشکل از رفقا کارمل، کشتمند، زیری و نجیب در بیست و هفتمین کنگره اشتراک نمود. میخوایم به رفقا به کمیته مرکزی درباره کاریکه هیأت در مسکو انجام داد، گذارش ارائه نمایم . قبل از همه باید بگویم که انسانهای شوروی از ما فرستاده گان حزب رزمنده ما، به طور صمیمانه و برادر وار پذیرایی و استقبال گرم کردند. ما اینرا در همه جا در قصر کرملین، در موسسات و در قطعات نظامی در میان شهریان مسکو می دیدیم و احساس میکردیم.

ما در ظرف یازده روز اقامت در مسکو در جلسه رسمی به مناسبت ۶۵ مین سالگرد عقد قرارداد دوستی افغان- شوروی، در میتنگ های سربازان و افسران فرقه مشهور تامانی، زحمتکشان ناحیه کراسناگور بخش مسکو اشتراک نمودیم. ملاقات هایی با شاملین مکتب بین المللی لنینی،

محصلان افغانی در مسکو با ژورنالیستان در مرکز مطبوعاتی بیست و هفتمین کنگره صورت گرفت. اعضای هیات ۱۸ بار با خبرنگاران تلویزیون، رادیو، روزنامه ها و مجلات مصاحبه نمودند. در جریان کنگره دهها ملاقات با هیأت های احزاب برادر صورت گرفته و ۱۹ پروتوکول همکاری حزبی به امضاء رسید. هیأت ما به نماینده گی از کمیته مرکزی معلومات مفصل درباره فعالیت ح.د.خ.ا و مقدار زیاد مواد تبلیغاتی را در کنگره توزیع نموده که مورد علاقمندی و استقبال دوستان قرار گرفت.

در آستانه افتتاح کنگره هیأت حزب ما به میدان سرخ رفت تا در مراسم گل گذاری بر آرمگاه لنین کبیر اشتراک نماید، در آنجا، در برابر این محل الهام بخش جهان این فکر در ذهن خطور مینمود که ما این اکیلی گل را به نشانه سپاسگزاری و احترام همه نسلهای افغانها که در طول چندین دهه نام این رجال کبیر و ساده و دوست زحمتکش را در قلب خود حفظ دارند، میگذاریم، نام و امر لنین همه انسانهای زحمتکش سراسر جهان را متحد میسازد. ما اکیلی گل را به نام پدران و نیاکان خود که مشعل دوستی جاودانه نسبت به کشور لنین را به ما واگذار شده اند، گذاشتیم. ما اکیلی گل را به نام سربازان و افسران، کارگران و دهقانان، پشه وران و تاجران، روشنفکران و تمام وطنپرستان کشور خود، به نماینده گی از تمام اعضای حزب و مردم ح.د.ا بر مقبره لنین گذاشتیم. ما اکیلی گل را به نماینده گی از شما رفقای گرامی، اعضای کمیته مرکزی گذاشتیم.

پلینوم کنونی به مثابه نقطه معینی از ختم سال ۱۳۶۴ نتیجه گیری مینماید: این سال کار شدید و مملو از حوادث بزرگ به تاریخ پیوست، ممکن است سال گذشته، سال دشواری بوده باشد، اما در عین زمان بدون شک پر ثمر ترین سال بود. ساختمان قوای مسلح طراز نوین ادامه یافت، قدرت محاروبی آن تحکیم و تقویت حاصل نمود، این سال در تاریخ به حیث سال لوبه جرگه و جرگه عالی قبایل سرحدی که از سیاست داخلی و خارجی ما پشتیبانی عام و تام بعمل آوردند، ثبت خواهد شد. آهنگ رشد اجتماعی - اقتصادی کشور سرعت گرفت.

کمیته مرکزی حزب، شورای انقلابی و حکومت مساعی خود را در امر **برخورد نوین** نسبت به توسعه پایه های اجتماعی نظام انقلابی متمرکز ساختند، این برخورد در **تیزسهای دهگانه** مطرح گردید و بعداً در اعلامیه شورای انقلابی قوت قانونی به خود گرفت **شانزدهمین پلینوم** کمیته مرکزی **ماهیت برخورد نوین** را به حزب توضیح نموده آنرا مشخص ساخت و تدابیر و اقدامات عملی در زمینه را مطرح نمود. توسعه ترکیب شورای انقلابی و شورای وزیران، ادامه انتخابات دموکراتیک در ارگانهای محلی، ایجاد سازمانهای جدید اجتماعی - همه اینها اقدامات مشخصی اند که به اثبات میرسانند که حزب تضامیم خود و وعده هایی را که به مردم داده است، انجام میدهد.

متشبهشین ملی همکاری فعالتر را با حاکمیت مردمی آغاز نمودند. در ظرف چار ماه اخیر آنها ۳۰۰ میلیون افغانی را برای انکشاف ۵۳ پروژه تخصیص داده و ۱/۷ میلیون را به سازمانهای اجتماعی داده اند. شورای انقلابی و حکومت امتنان صمیمانه به همه آنان ابراز داشته و یقین دارند که دیگران نیز از این نمونه شریفانه پیروی خواهند نمود. ما موفق شدیم که در قلب تعداد زیادی از افغانان که در خارج بسر می برند، احساس عدالت و وطنپرستی را بیدار سازیم. این واقعیت که تعداد هرچه بیشتر مهاجرین بوطن باز میگردند، موجب خرسندی است. توقف در مذاکرات با پاکستان در ژنیو رفع گردیده است.

در سال گذشته رشد صفوف حزب ادامه یافت. امروز تعداد اعضای اصلی و آزمایشی حزب بیش از ۱۵۰ هزار نفر است. سازمانهای اولیه حزبی رشد قابل ملاحظه نموده است.

چنین است بعضی از نتایج کار ما، اما اگر فعالیت ما از موضع خواست عالی و آن درسهاییکه کنگره به تمام انقلابیون داد مورد تحلیل قرار گیرد، روشن میگردد که ما باید با مطالبات تأخیر ناپذیر زمان همگام شویم. برای یافتن نمونه و مثال لازم نیست بسیار دور برویم و جستجو کنیم، ما چهار ماه قبل شانزدهمین پلینوم کمیته مرکزی را دایر کردیم و مصوبه دارای اهمیت فوق العاده را به تصویب رسانیدیم. همه ما به طرفداری از این مصوبه رأی دادیم، اکنون یکجا باهم میبینیم که احکام اساسی آن چگونه عملی میگردد.

درباره اوضاع نظامی - سیاسی در کشور، پلان کمپلکس توسعه و تحکیم حاکمیت دولتی در سال گذشته تقریباً تطبیق شده است. بینیم اکمال قوای مسلح در مجموع چگونه صورت میگیرد. کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. شورای انقلابی و شورای وزیران ج.د.ا. تصامیم مهمی در این زمینه اتخاذ نموده و فوراً بعد از پلینوم جلسه مشورتی را دایر کردند، اما پلان جلب و احضار یازده ماه در مجموع کشور قسماً تطبیق گردیده ولی مستلزم کار بیشتر است. تصمیم گرفته شد که کمیسار نظامی کندهار بنابر عدم موفقیت در وظیفه سبکدوش گردد، میتوان دیگران را نیز سبکدوش ساخت .

در هر ولایت تعداد منسوبین اردو، ژاندهوی، امنیت دولتی، قطعات منطوقی، ملیشه، سپاهیان و مدافعین انقلاب، دفاع خودی و دفاع ملکی نسبت به تعداد باندیت ها بیشتر است. اما این قطعات با تابعیت از ارگانهای مختلف به طور جداگانه، متفرق و بدون توافق باهم عمل میکنند. باید هماهنگی جدیتر به میان آید.

تمام فعالیت قطعات نظامی باید تابع وظیفه توسعه حاکمیت مردم گردد. اردو برعلاوه وظایف مستقیم در سرکوب اشرا و تأمین امنیت مکلف است وظایف اجتماعی یعنی وظایف سازمانی و سیاسی را نیز انجام دهد. لازم است که ساختار قطعات و جزواتها نیز مطابق به خصلت وظایف

که انجام داده میشود، باشد. اگر به جزوتامها و مفرزه های خاص - تولیها یا کندک های استقرار
اوضاع که قادر به از بین بردن باند های کوچک و پیشبرد کار سیاسی در بین مردم باشند،
ضرورت است، پس بیایید که آنها را ایجاد کنیم .

در کار با قبایل سرحدی نیز کمبودها و نارسائی ها وجود دارد، جرگه های مشورتی به طور
منظم دایر نمیگردد.

ارتقای سطح خودآگاهی قبایل آزاد پشتون، خواست آنها مبنی بر رعایت حقوق و عنعنات شان،
تقویت خوش بینی آنها نسبت به انقلاب ما موجب عکس العمل غضب آلود و وحشیانه رژیم
پاکستان میگردد. اسلام آباد و دول امپریالیستی پشتیبانی آن برای اتحاد نیروهای ضد انقلاب با
بخش ارتجاعی پشتونها تلاش خواهند ورزید. ما باید طرح و برخورد جدید را در کار با قبایل آزاد
مشخص سازیم. به طور اختصار اوضاع نظامی - سیاسی چنین است، پیروزی های معین نصیب
خلق ما شده است ولی نواقص جدی نیز وجود دارد که باید آنرا رفع نمود.

توسعه پایه های اجتماعی و برخورد نوین نسبت به آن مسئله خاص است. از کاریکه
انجام یافته است چه درسهایی را میتوان استخراج کرد. این کار باید خصلت همگانی و
مقیاس وسیع را به خود بگیرد و عملاً از مرکز و شهر ها به ولسوالیها،علاقه داریها و قراء
انکشاف و ادامه یابد. باید گفت که ذخایر برای توسعه پایه های اجتماعی عمدتاً در
محلات، در دهات، در میان توده های عظیم ملیونی دهقانان است . برعلاوه، ما افراد
شایسته را در رهبری نه برای نمایش و نماینده گی، بلکه برای کاریکه موجب نزدیکی
حاکمیت با مردم گردد جلب میکنیم .

مشی توسعه پایه های اجتماعی مشی طویل المدت و استراتژییک میباشد، و ما همه
اقدامات لازم را برای تحقق این مشی بعمل خواهیم آورد.

لازم است، تا تاثیر و نفوذ ما بالای دهقانان تقویت یابد. کار حزب باید در این عرصه
بهبود بیشتر یابد. در بین توده های چندین ملیونی دهقانان تعداد اعضای حزب هنوز
کم است.

پایگاه دشمنان ما با استفاده از سطح نازل فهم دهقانان در قریه ها قرار دارد و از آنجا
باند های خود را اکمال میکنند. کادرهای حزبی منجمله کارمندان کمیته مرکزی هنگام
سفر به محلات باید تا قریه ها بروند، به آمیزش با دهقانان و رفع نیاز مندیهای آنان
بپردازند . این نیازمندیها توام با گرایش سریع دهقانان در دفاع از انقلاب با گذشت هر
روز افزایش می یابد.

ارگانهای دولتی باید پلانهای را که به خاطر بهبود زنده گی مردم بخصوص دهقانان در محلات اتخاذ شده است تطبیق نمایند، هرگونه سهل انگاری و بی تفاوتی در این امر قابل چشم پوشی و گذشت نیست .

تمام این مسایل و یکعده مسایل دیگر در سیمیناری که چندی قبل شورای وزیران ج. د.ا دایر کرد، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت . اکنون وظیفه آنست که اجرای تمام توافقات سازمان داده شود و به این ترتیب تاثیر مثبت بالای مسئله عمده زراعتی یعنی پیشبرد اصلاحات ارضی و آب وارد گردد.

ما باید مرکز ثقل تمام فعالیت سیاسی و اجتماعی - اقتصادی حزب را به قریه به جائیکه اکثریت اهالی کشور زنده گی و کار مینمایند، انتقال دهیم.

باید کار سیاسی موثر با پیشه وران، روشنفکران، معلمان و سایر اقشار و گروههای اجتماعی جامعه ما صورت گیرد. در توسعه پایه های اجتماعی از امکانات مصالحه (کمپرامیز) نیز آنطوریکه باید و شاید استفاده شود. ما حاضریم به خاطر قطع خونریزی به مصالحه پردازیم. درست گفته اند که خون را باید با آب شست نه با خون. قبل از پلینوم من یکبار دیگر یکی از آثار لنین را خواندم و باز هم معتقد شدم که تعداد زیادی از کادرها مسئله مصالحه (کمپرامیز) را درست درک نمی کنند، اما لنین مینویسد : «...مصالحه را از نظر اصولی نفی کردن و هیچگونه مصالحه یی را به طور کلی جایز نشمردن، آنچنان عمل کودکانه یی است که حتی مشکل است آنرا جدی تلقی نمود » (منتخبات آثار لنین بزبان فارسی جلد ۲ قسمت ۲ صفحه ۴۲۹). ما حق نداریم و نباید مصالحه را رد کنیم اگر موجب رسیدن به هدف عمده یعنی استقرار صلح سراسری و امنیت میگردد.

این مشی کاملاً با احکام و نتیجه گیریهای برنامه عمل حزب ما و مشی اصولی ما مطابقت دارد. تنها احزاب نیرومند، به مصالحه تن میدهند. **ما با اصول تجارت نمی کنیم**

و تصمیم نداریم تجارت کنیم. این امر باید هم به دوستان و هم بدشمنان روشن باشد !

این سوال کاملاً قانونمند است که جبهه ملی پدر وطن، اتحادیه های صنفی، سازمان دموکراتیک جوانان، سازمان دموکراتیک زنان چه کارهایی را برای توسعه پایه های اجتماعی انجام داده اند. سازمانهای اجتماعی باید به طور ابتکاری، عمدتاً متکی به نیروی توده های مردم و با رفتن در بین توده ها کار نمایند.

رفقا! حزب ما باید حزب عمل انقلابی باشد.

در تحقق **برخورد نوین** نقش پیش رونده را به موازات تدابیر سیاسی، اقدامات اجتماعی- اقتصادی ایفا مینماید. طرح و تدوین «جهت‌های اساسی رشد اقتصادی و اجتماعی جمهوری دموکراتیک افغانستان برای سالهای ۱۳۶۵-۱۳۶۹» حادثه بسیار مهم در زنده گی کشور است. امروز در **پلینوم** کمیته مرکزی رفیق کشتمند گزارش مفصل را درباره «جهت‌های اساسی» ایراد خواهد کرد. من فقط خاطر نشان می‌سازم که اجرای **پلان پنج ساله وظیفه درجه یک حزب و تمام مردم است**. ما باید اهمیت و بزرگی نخستین پلان پنجساله بعد از انقلاب را به سمع همه مردم برسانیم. باید توضیح کنیم که این پلان‌ها فقط در صورت کار صادقانه هر افغان، در هر جایکه ایفای وظیفه مینماید، در هر مقامی که باشد، تحقق می‌پذیرد.

قبل از همه می‌خواهم در باره **وظیفه عمده پلان پنجساله** صحبت نمایم. به نظر ما وظیفه عمده پلان عبارتست از تحقق پلان شده مشی ح.د.خ.ا برای رفع عقب مانده گی اقتصادی و تخنیکی کشور، ارتقای سطح زنده گی مادی و فرهنگی مردم بر مبنای بازسازی موسسات غیر فعال و ایجاد موسسات تولیدی جدید. هدف ما تسریع رشد همه بخش‌ها و عرصه‌های اقتصاد ملی، قبل از همه سکتورهای دولتی و کوپراتیفی به حیث اساس ملکیت عمومی دولتی، جلب همه اشکال اقتصادی در تجارت و مناسبات کالایی- پولی و به بازار عمومی ملی است. در ظرف پنجسال حجم عاید ملی ۲۵ فیصد، تولید محصولات صنعتی ۳۸ فیصد، محصولات زراعتی ۱۴-۱۶ فیصد افزایش می‌یابد. توجه خاص به زراعت و آبیاری صورت خواهد گرفت. سرمایه گذاری در این عرصه‌ها ۷/۱ بار افزایش خواهد یافت. در آینده نیز کمک همه جانبه کشورهای دوست و قبل از همه اتحاد شوروی که دو ثلث کمک خارجی را تأمین خواهد کرد، مهمترین نقش را ایفا خواهد کرد. افراد ساده به خوبی میتوانند مقایسه نمایند که برای مردم، انقلاب ثور چه میدهد و رژیم ضیال‌الحق در پاکستان چه پیشنهاد میکند، پلانهای آنها پلان تجاوز، و صدور ضد انقلاب است. پلانهای ما- پلان صلح و ایجاد گری است.

اکنون به مسئله سوم یعنی کار حزبی - سیاسی می‌پردازیم:

در اوضاع مشخصیکه ما قرار داریم، نوار خاص پروسه تاریخی است که مردم ما از آن می‌گذرد و نشان میدهد که پروبلمها را فقط میتوان از طریق سیاسی حل و فصل نمود. میتودها و وسایل سیاسی باید موقف اساسی و نقش پیشرونده را در کار با توده‌ها داشته باشد. از همین جهت نیز ضرورت حاد بازسازی کار حزبی- سیاسی پیش می‌آید، مهمترین امر در این بازسازی باید از حرف به عمل پرداختن، از کاغذ پرانی بریدن و به سوی مردم رفتن، ترک جلسات یکنواخت و فورمالیتی و به کار زنده در محلات مشغول شدن، باشد. بگذار تعداد فیصله

های مصوبات کمتر باشد، اما هر کدام از آنها تا آخر در عمل پیاده گردد. بعوض حرفها و وعده های میان تهی باید وظایف و راه های مشخص اجرای آن مورد بررسی قرار گیرد. و بالاخره کنترل شدید از بالا تا پائین و از پائین تا بالا، و باز هم کنترل برقرار گردد. مفهوم اصلی بازسازی را کارآیی، مشخص بودن، ارتقای سطح مطالبه حصول نتایج در کار هر یک از اعضای حزب و تمام حزب در مجموع می سازد.

باید مشی ارتقای همه جانبه نقش و مسوولیت کمیته های ولایتی حزبی ادامه یابد و این کمیته ها به مراکز واقعی رهبری مبدل گردند.

کمیته های حزبی تنظیم کننده تمام زنده گی سیاسی در ولایات اند، آنها در برابر همه مسایل پاسخگوی اند، ارگانهای مرکزی مؤظف اند به آنها کمک کنند و نظریات و پیشنهادات شانرا مدنظر گیرند. شعبات کمیته مرکزی مکلف اند کار کمیته های حزبی را مورد تحلیل و ارزیابی عمیق تر قرار دهند و از مسوولین آن بازپرس بعمل آورند

میخواهم به مسوولین وزارتها و ادارات که در محلات میروند و مسایل مربوط به اداره خود را حل و فصل مینمایند اما به کمیته حزبی سر نمی زنند نیز هشدار دهیم.

بیروکراتیزم رشد یابنده در اپارات حزبی و دولتی سخت مانع رشد و تکامل ما میگردد، تعداد زیاد کارمندان بعوض کار سازمانی مصروف کاغذپرانی اند. موج عظیمی از کاغذ به کمیته های حزبی ولایات میرسد. بیروکراتیزم در وزارتها و ادارات، موجب عدم حل و فصل قضایای عاجل برای مدت طولانی میگردد.

در مبارزه علیه عدم مسوولیت و بی تفاوتی باید نقش انتقاد و انتقاد از خود ارتقا بخشیده شود. در عین زمان که ما طرفدارانتقاد سازنده هستیم و انتقاد خشک و غیر اصولی را مردود می شماریم از جانب دیگر این امر اهمیت اصولی دارد که چه کسی انتقاد میکند. شخص بد اخلاق و خود پرست، حق ندارد برای دیگران درس اخلاق و از خود گذری دهد.

هر سازمان و هر عضو حزب و همه مسوولین و رهبران باید تحت کنترل و قابل انتقاد حزبی باشند. اگر ما بیکدیگر خود ارزش قایل هستیم و میخواهیم یکدیگر را کمک کنیم، باید به انتقاد نیز ارزش لازم قایل باشیم. لیکن انتقاد نه از روی منافع شخصی، محفلی و رفاقت بازی!

در بیروی سیاسی بارها مسئله مربوط به ضرورت تقویت مبارزه علیه اختلاس که متأسفانه بعضی از کارمندان مسوول به آن مبتلا شده اند، مورد بررسی قرار گرفت.

نظر به دستور بیروی سیاسی خرنوالی اختصاصی انقلابی در مورد رسیده گی مینماید. ما اشخاصی را می شناسیم که به حساب جنگ، به حساب اشک و خون و ماتم مردم ثروتمند میشوند. زمان آن فرا خواهد رسید که ما نامهای سیاه این اشخاص را برملا سازیم هنوز وقت است که آنان نیز متوقف شوند و دیگر جیب دولت را جیب شخصی خود ندانند هر قدر هم اختلاس و رشوه ستانی دوام کند، باز هم روزی پایان می یابد. ولی این پایان سخت ناگوار است. و در آن صورت هیچکس نه دوستان با نفوذ و نه خدمات گذشته کمک نموده نمیتواند. باز هم تکرار میکنم تا دیر نشده چنین اشخاص فکر کنند.

مسئله دیگر درباره زنده گی ساده و بدون زرق و برق رهبران حزبی نیز مطرح میشود. زنده گی انقلابی - زنده گی ساده و بی پیرایه است. اما بعضی ها تلاش میورزند به حساب دولت صاحب موترهای لوکس شوند و موتر دولتی را در خدمت خانواده و اطفال خود قرار میدهند. اشتباهی بعضی ها در تنظیم و ترتیب اطاق کار و هنگام سفرهای خدمتی در ولایات پایان ندارد، هم اکنون کمیسیون کنترل حزبی در مورد این سوء استفاده ها موادی را تحت کار دارد.

چند کلمه درباره عرصه معنوی و کار سیاسی - تربیتی صحبت میکنیم. در این عرصه مسایل تاخیر ناپذیر زیادی وجود دارد. اکنون که پروسه های بسیار عمیق و قابل ملاحظه در کشور جریان دارد، هنگامیکه بسیاری از مسایل باید مورد تجدید نظر قرار گیرد و از فاکتهای جدید تحلیل مجموعی بعمل آید کمیته مرکزی حق دارد تا از علما، مورخین، فلاسفه و اقتصاد دانان طلب کمک کند. اما، متأسفانه عده یی دانشمندان علوم اجتماعی که دراکادمی علوم، انستیتوت علوم اجتماعی و موسسات تحصیلات عالی کار میکنند، از موضوعات مشخص و مبرم زنده گی بدور اند. اگر جدی بگویم، ما به علوم عملی و پراتیک نیاز داریم نه به حرفهای میان تهی. در سیمینار ایدیولوژیک پراتیک کار تربیتی در بین توده ها مورد تعمیم قرار گرفت. این کار خوب است، اما از جانب دیگر، سیمینار نشان داد که تفکر و کار تیوریک در مجموع و بررسی تیوریک مسایل انقلاب ملی - دموکراتیک به طور خاص عقب مانده است.

در نشرات و نوشته های علمی اکثراً موضعگیری های غیر طبقاتی و تحت تاثیر اوضاع و احوال به نظر میخورد. ما البته سانسور دولتی نداریم. اما تمام مسایل نشر و چاپ آثار توسط افراد مسوول رهبری میشود، یعنی افراد مسوول وجود دارد که باید مورد باز خواست قرار گیرند، و من فکر میکنم که وقت باز خواست رسیده است.

ادارات و سازمانهای ایدیولوژیک باید مسایل مربوط به مبارزه با بیسوادی، تنظیم تدریس در مکاتب، تقویت و تشدید کار تربیتی در مکاتب و مؤسسات تحصیلات عالی را تحت کنترل روزمره قرار دهند. در سالجاری درسی باید کار حزب، سازمان دموکراتیک جوانان، سازمان دموکراتیک زنان و اتحادیه های صنفی با متعلمان و محصلان جوان به طور بنیادی تقویت یابد، این راه مطمئن و استراتژییک، توسعه پایه های- اجتماعی است. انقلاب به جوانان- این مسئله یی است که سر تا پا در برابر حزب قرار دارد. ضرورت است تا پرورش ایدیولوژیک، وطنپرستانه و حزبی، مواظبت و توجه پدران به نسبت به جوانان تقویت یابد.

یکی از ممیزات و مشخصات حزب ما- قابلیت آن برای آموزش، آموزش از دوستان، آموزش از زنده گی و تاریخ است، تجربه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی- معلم بزرگ است. این تجربه را باید به طور خستگی ناپذیر فرا گرفت و به طور خلاق بدون برخورد دگماتیک و میخانیکی مورد استفاده قرار داد.

بگذار همه کس کار و روش خود را مورد ارزیابی انتقادی قرار دهد به یاد باید داشت که رهبری حزب نه تنها از آنچه که خوب است بلکه از همه آنچه که در کشور بد است، نیز پاسخگوی میباشد. یک نتیجه گیری دیگر، پروبلما سریعتر از آنچه حل میگردد، رشد می کنند، از توانمندی دفاعی و اقتصادی ما استفاده کامل صورت نمیگیرد.

اجرای اصلاحات ارضی و آب، استقرار، تحکیم و توسعه قدرت دولتی، ستر سرحدات، عادی ساختن اوضاع در کشور، همه و همه باید با آهنگ سریع صورت گیرد.

با صراحت میگویم بعضی از رهبران و مسوولین ما در مرکز و ولایات عادت نکرده اند که در برابر امر سپرده شده با خرد خود، با وجدان خود، با کارت عضویت حزبی خود پاسخ بگویند. در عین زمان آنان به قدرت و حاکمیت شخصی خود، به اطاق های کار خود شدیداً علاقه و عشق دارند. اما مسوولیت خود را فراموش کرده اند. بیروی سیاسی تدابیر اضافی به منظور بسط و گسترش علنیت در کار کادر های رهبری ارگانهای مرکزی حاکمیت اتخاذ خواهد کرد. اما وقتی در این موارد صحبت میشود بعضی ها عصبانی میشوند و مشوره میدهند که درباره نارسایی ها و کمبودها کمتر صحبت شود، پاسخ در اینجا یکی میتواند باشد و آن اینکه هر چیز را باید به نام خودش یاد کرد و حقایق را به حزب و خلق گفت. برای ما همیشه و در همه اوضاع و احوال حقیقت لازم است، لنین می آموخت که تلخ ترین حقیقت صد بار بهتر از هر گونه دروغ شیرین است، ما باید آستین ها را بر کشیده و به کار پردازیم تا آنچه را که از دست داده ایم جبران کنیم، تحولات را نمیتوان با اقدامات نیم بند عملی ساخت، اگر خانه اعمار

میکنی پس سقف و پوشش آنرا نیز اعمار کن یعنی کار را باید تا آخر انجام داد. ما باید به انقلاب خود سرعت جدی ببخشیم. این سرعت به مفهوم جهش از مراحل، سبقت جستن و جلو رفتن بی موجب نیست، بلکه باید مسایل کهنه و نو را با سرعت بیشتر حل نمود. هر عضو حزب، هر علاقمند حزب و هر وطنپرست باید با سرعت بیشتر کار کند. هر کدام باید بی تفاوتی، عدم فعالیت و تنبلی را قویاً از خود دور سازد. وطن و خلق خون میریزند، دشمن بیداد میکند و در این شرایط دشوار و زمان جنگ و انقلاب، رهبرانی هم یافت میشوند که نیم بند و با انرژی بسیار کم یا در ساعات معین و بدون یک دقیقه بیشتر، با استفاده از روزهای رخصتی و حتی رخصتی طویل المدت و یا در گفت و شنود های بی ثمر و حتی مضر کار میکنند. اینها چگونه انقلابی اند!

رفقای گرامی!

وطن عزیز ما سال ۱۳۶۵ را آغاز نموده است. در این سال که دشواری و پیچیده گی آن و وظایف بزرگ و وسیع آن کمتر از سالهای قبل نخواهد بود، چه باید کرد؟ سال جدید باید سال فیصله کن و قاطع در امر تحقق **برخورد نوین** نسبت به توسعه پایه های اجتماعی نظام انقلابی باشد و ما را به مرزی که دیر زمان منتظر آن هستیم یعنی قطع خونریزی و استقرار صلح و امنیت در سرزمین بلا کشیده ما نزدیک سازد. **برای اینکار ما مکلف هستیم:**

- **در عرصه نظامی:** تعداد قوای مسلح را به اندازه پیشبینی شده برسانیم، ستر سرحدات را عمدتاً انجام دهیم تا قوای مسلح مساعی خود را متوجه مبارزه با باندیتیزم در داخل کشور و تأمین شرایط صلح آمیز و امن کار افغانها سازد، این وظایف نه تنها نظامی، بلکه سیاسی نیز است. اجرای آن وجیبه عمده وطنپرستانه و انترناسیونالیستی ماست.

- **در عرصه سیاست داخلی:** قبل از ختم سال انتخابات در ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی را باید خاتمه داد، تا آنزمان باید مسوده قانون اساسی ج.د.ا نیز آماده گردد. تا بعد از بررسی و نظرخواهی همه گانی مردم به ترتیبیکه پیشبینی خواهد شد به تصویب برسد.

- **در عرصه اجتماعی و اقتصادی:** سال اول پلان پنجساله اول بعد از انقلاب آغاز شده است. وظیفه حزب و دولت است که تمام مساعی خود را در راه تحقق آن به کار اندازند و به تمام زحمتکشان نشان بدهند که میتوانند برای خود، برای دولت و تمام خلق جمهوری دموکراتیک افغانستان صادقانه کار کنند.

- **در عرصه معنوی:** وظیفه عمده اتحاد و یکپارچگی مردم، تبلیغ اندیشه وحدت و پرورش انقلابی و وطنپرستانه، تشدید توجه به فرهنگ همه خلقهای ساکن در افغانتستان است.

- در عرصه حزبی و سیاسی : بهبود بنیادی اشکال و میتود های کار حزب و سازمانهای اجتماعی است، و باز هم تحکیم وحدت حزب از بالا تا پائین به حیث اصل عمده کار ما در مرکز توجه قرار دارد .

- در عرصه سیاست خارجی : همه نیروها باید متوجه حل و فصل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان گردد.

به پیروی از سیاست صلح خواهانه خود، جمهوری دموکراتیک افغانستان هر گونه مساعی لازم را در جهت یافتن راه حل سیاسی از طریق مذاکرات برای اوضاع اطراف افغانستان بعمل آورده است. در نتیجه ابتکارات جمهوری دموکراتیک افغانستان به خصوص اعلامیه های معروف ۱۴ می ۱۹۸۰ و اگست ۱۹۸۱ بود که راه برای آغاز مذاکرات بین ج.د.ا و پاکستان باز گردید. از همان آغاز پروسه مذاکرات ژنیو، جمهوری دموکراتیک افغانستان همواره با تبارز حسن نیت و اراده واقعی سیاسی در آن شرکت ورزیده و در جریان پروسه به صورت عملی به پیشرفت آن مساعدت نموده است. اما متأسفانه در نتیجه موضعگیری منفی جانب پاکستان که تحت فشار امپریالیزم امریکا، هژمونیزم و ارتجاع، به بهانه های مختلف از مذاکرات مستقیم و سازنده سرباز میزند، با وجود پیشرفت های بالنسبه مهم پروسه مذاکرات به کندی پیشرفت میکند .

ما باید در همه عرصه های زنده گی حزبی، دولتی و اجتماعی و در امور بین المللی بهتر، با صرف همه انرژی و توانایی، بدون خستگی کار نمائیم.

تنها در این صورت شعار ما که انقلاب ادامه دارد، نیروی حقیقی را خواهد داشت !

* تایپ کامپیوتری از : ذوالفقارعلی ((حقداد))

** تکیه ها از «اصالت» است.

*** هر نوع استفاده و نقل قول از «بیانیه ی ببرک کارمل در پلینوم هفدهم کمیته مرکزی ج.د.خ.ا.»

صرف با ذکر منبع و نام سایت «اصالت» مجاز است !

www.esalat.org